

کودک همسری از نظر قرآن

صدیقه شکوری راد*

چکیده

جواز «کودک همسری» یا «ازدواج صغار» با استناد به دو آیه در قرآن، پاره ای از احادیث و سنت نبوی در فقه امامیه به تبع آن در قانون مدنی ایران پذیرفته شده است. در مقاله حاضر که پژوهشی است کتابخانه ای، موضوع «کودک همسری» در «قرآن» از منظر مطالعات زنان، که متعهد به بهبود و ارتقای وضعیت زنان است، مورد بررسی قرار گرفته است. با تمرکز بر آموزه های قرآن و استفاده از رویکرد تاریخی - تحلیلی در این مقاله استدلال شده است که ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی درباره ازدواج کودکان هیچ دلیل قرآنی ندارد. اولاً، کودک همسری در قرآن تجویز نشده و حتی به آن اشاره ای نرفته است؛ ثانیاً، آموزه های عام قرآنی و آیات مربوط به ازدواج و ارتباط شوهران با زنانشان با آن سازگاری ندارد. از اینرو و با توجه به آثار و تبعات ناگوار آن برای کودکان و جامعه، بازنگری در این ماده قانونی و اصلاح آن معقول و ضروری به نظر می رسد.

کلیدواژه‌ها: کودک همسری، قرآن، ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، فقه امامی.

۱. مقدمه

ازدواج یک حق برای همهٔ زنان و مردان است اما این به آن معنا نیست که آنان در هر شرایط جسمی، روحی و مادی می توانند با یکدیگر پیوند زناشویی ببندند. در اغلب جوامع و فرهنگها کسانی می توانند ازدواج کنند که از سلامت عقلی و بلوغ عقلی و جنسی

* دکترای مطالعات زنان، مربی مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران، تهران، ایران،
Email: shakouri.rad.s@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۴

برخوردار بوده، به سنّی خاص رسیده و راضی به ازدواج باشند. به عبارت دیگر، گذر از سنّ کودکی یک معیار اساسی در جواز ازدواج است.

کودکی تعریف قطعی واحدی برای همه روانشناسان، جامعه‌شناسان و حقوقدانان و نیز در فرهنگهای مختلف ندارد. طبق عرف و قوانین بین‌المللی افراد زیر هجده سال کودک و فاقد بلوغ عقلی و اجتماعی لازم برای تحمل مسئولیت اعمال و تصمیمات خود تلقی می‌شوند. در کنوانسیون جهانی حقوق کودک (۱۹۸۹)^۱ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی^۲ نیز سن رشد برای دختران و پسران ۱۸ سال دانسته شده و ازدواج زیر هجده سال سنّ، بدون رضایت واقعی قلمداد و لذا ممنوع شده است. ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز ازدواج زن و مرد را تنها در صورت داشتن «سنّ کامل و قانونی، آزادی، رضایت و اختیار کامل» مجاز می‌داند.

تعریف فوق درباره کودک با دیدگاه علمای اسلام اختلاف دارد. مفسران بر اساس آیه ۶ سوره نساء و ۵۹ سوره نور، معیار گذر از کودکی و جاری شدن تکالیف و مسئولیت‌ها را بلوغ جنسی و آن را به معنای رسیدن به مرحله توانایی بر هم‌خوابگی و تولید نسل و به عبارت دیگر احتلام دانسته‌اند.^۳ البته سنّ عددی خاصی برای ازدواج در قرآن تعیین نشده است اما بنا بر مشهور یا اجماع مفسرین و فقها (ببینید: مهریزی، ۱۳۸۲: ۳۹۹؛ قاری، ۱۳۷۴)، ۹ سالگی برای دختر و ۱۵ سالگی برای پسر اتمام دوران کودکی یا سنّ بلوغ نکاح یا سنّ آمادگی برای ازدواج دانسته شده است. از نظر آنان، دختران و پسران با رسیدن به بلوغ جسمی که ملازم با این سنین است دارای صلاحیت برای انعقاد قرارداد نکاح هستند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۱۶؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۹؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۱: ص ۴۸۰-۴۸۱)، هرچند برخلاف پسران، صحت ازدواج دختران باکره در این سنّ به اجازه ولی آنها مشروط است. با وجود توجه به اهمیت و ضرورت رسیدن به بلوغ جسمی در امر ازدواج، فقها ازدواج پیش از آن را به کلی رد نمی‌کنند بلکه بر اساس اصل ولایت قهری پدر یا جدّ پدری، اغلب این حق را برای ولیّ کودک (پدر و یا جدّ پدری) محفوظ می‌دانند که او را قبل از بلوغ و برخورداری از حقّ ازدواج - یعنی قبل از ۹ سالگی دختر و ۱۵ سالگی پسر - به ازدواج دیگری - با هر سنّی - درآورد، البته به شرط مصلحت کودک، که خود محلّ بحث و اختلاف نظر است (ببینید: مهریزی، ۱۳۸۲: ۳۸۰-۳۸۴).^۴

قانون مدنی ایران که بر مبنای نظرات فقهای شیعه تدوین شده است در ماده ۱۰۴۱ به این موضوع پرداخته است. البته این ماده از آغاز تا کنون چندین بار دستخوش تغییر شده

است. قانون حاضر، سن بلوغ نکاح دختران و پسران را به ترتیب در ۱۳ و ۱۵ سالگی می‌داند که روشن است از رأی مشهور فقها در تعیین سن ازدواج دختران تبعیت نمی‌کند. هرچند این ماده، مطابق نظر آنان و بر اساس اصل فقهی ولایت پدر، در صورت اذن ولی و به شرط رعایت مصلحت و تشخیص دادگاه ازدواج کودکان را قبل از رسیدن به سن تعیین شده برای بلوغ و ازدواج بدون تعیین حداقلی برای آن - جایز و صحیح می‌داند.

۲. موضوع و روش مطالعه

این پژوهش درباره سن ازدواج و مناقشات پیرامون آن در فقه اسلامی، قانون مدنی، و تعارض آنها با قوانین بین‌المللی نیست بلکه موضوع آن انحصاراً ازدواج کودکان، کودک همسری، و یا آنچه‌ان که در فقه و حقوق اسلامی مصطلح است، «ازدواج صغار» است. به عبارت روشن، موضوع مورد بررسی در اینجا ازدواج در سنین پایین تر از سن بلوغ است - فارغ از آن که آن را چه سنی بدانیم. بنا بر این در این پژوهش، سؤال اصلی این است که با فرض این که سن ازدواج را همان سن گذر از کودکی، ملازم با بلوغ جنسی و طبق قانون مدنی ایران ۱۳ و ۱۵ سالگی بدانیم، آیا پذیرش ازدواج دختران و پسران در سنین پایین تر با آموزه های قرآنی سازگار است؟ آیا نظر فقهی موجود که مبنای ماده مذکور قانونی است مستظهر به قرآن است و از چنان اعتباری برخوردار است که حتی اگر تحقیقات علمی نشان دهند که ازدواج در سنین پایین عوارض جبران ناپذیری بر سلامت دختران دارد، همچنان باید به آن ملتزم بود؟ آیا مجاز دانستن ازدواج کودکان - بنا بر تعریف فقها - و عمل به آن همچنان عقلانی، اخلاقی و به لحاظ دینی پذیرفته است؟

مطالعه و بررسی هایی که درباره ازدواج کودکان صورت گرفته است عمدتاً ناظر بر تفسیر آیات مربوط با اتکاء بر سنت و روایات رسیده و بررسی اعتبار صدور و دلالات آنها بر اساس روش فقهی مصطلح است. اما در اینجا موضوع از منظر مطالعات زنان در حوزه دین مورد بررسی و تحلیل هرمنوتیک قرار می‌گیرد. از مهمترین مبانی نظری در روش شناسی مطالعات زنان این است که هیچ پژوهش علمی و تحلیلی از پدیده ها یا متون در بستری خنثی و فارغ از هرگونه جهت گیری فرهنگی صورت نمی‌گیرد و آبژکتیو بودن دانش و پژوهش چیزی جز یک عقیده غیر علمی (myth) نیست. بنا بر این تفسیر هر متن مقدسی توسط مفسر تا حد زیادی بازتاب دهنده عناصر فرهنگی زمان و جامعه ای است که او در آن زیسته است. افزون بر آن، پژوهشگران مطالعات زنان بر این باورند که دانش

تولید شده در حوزه دین و از جمله فقه تا کنون محصول و منعکس کننده دیدگاه مردان بوده است و زنان در آن نقشی بسیار اندک داشته‌اند. آنان تفاسیر قرآنی موجود و احکام مبتنی بر آنها را نتیجه ناگزیر غلبه نگاه و درک مردانه در حوزه دانش دینی و متأثر بودن آن از فرهنگ زمان خود می‌دانند و به هیچ روی تلاش‌های عالمان دین را با سوءظن مورد داوری قرار نمی‌دهند. این پژوهشگران مرجعیت تاریخی مردان را در تولید دانش دینی برای رسیدن به معنای متن مقدس کافی نمی‌دانند و می‌کوشند تا خود با استفاده از دانش لازم به تحلیل متن بپردازند. از نظر بسیاری از پژوهشگرانی که در باره موضوع زن در اسلام مطالعه می‌کنند، فهم مردانه و پدرسالارانه از اسلام و دیدگاه‌های مؤید فرودستی زنان در فقه اسلامی عمدتاً متکی بر روایاتی است که در جهت آموزه‌های قرآنی نیستند. آنان بیش از هر چیز بر آموزه‌های قرآنی تأکید می‌کنند و البته در فهم خود از متن مقدس، توجه دارند که خود نیز از واقعیات فرهنگی جامعه تأثیر می‌پذیرند و از این رو می‌کوشند پژوهش‌هایشان را در چهارچوبی روشمند هدایت کنند.

بر این اساس در این پژوهش، با اتخاذ نگرشی حساس نسبت به تأثیر نگاه مردانه و غلبه پدرسالاری در شکل‌گیری و تفسیر پدیده‌ها، از آن جمله دین، و با تأکید بر مرجعیت قطعی و بی‌بدیل قرآن، متن قرآن به عنوان یک کل در نظر گرفته شده و تفسیری از آن ارائه شده که منطقی و دارای سازگاری درون‌متنی است. این پژوهش از یک سو، با دیدگاه تفسیری قرآن به قرآن که مفسرین بزرگی چون علامه طباطبایی اتخاذ کرده‌اند همراه است و از این رو، می‌تواند مورد پذیرش کسانی قرار گیرد که از منظر دیدگاه غالب دینی به موضوع نظر می‌کنند. از سوی دیگر، این پژوهش مطابق با نگرش مطالعات زنان که معطوف به بهبود شرایط و ارتقای وضعیت زنان است آیات مربوط به موضوع را مورد تحلیل و تفسیر قرار داده و کوشیده است خوانشی از قرآن را ارائه دهد که در جهت بهبود موقعیت و شرایط زنان باشد. البته از منظر روش‌شناسی، این رویکرد و تعهد نسبت به فراهم آوردن شرایط مناسب برای زنان هرگز اعتبار یافته‌های پژوهش را مخدوش نمی‌کند بلکه موجب گسترش و تعمیق دانش می‌شود و راه‌های تازه‌ای را می‌گشاید.

بنا بر این برای پاسخ دادن به پرسش فوق، با توجه به ماهیت سؤال، زمینه فرهنگی و اجتماعی موضوع و اتکاء آن به دین، ابتدا ماده قانونی مربوطه و تغییرات اصلاحی اعمال شده در آن در خصوص سن ازدواج مرور می‌شود و سپس، چکیده‌ای از نظرات فقها به اجمال می‌آید تا نخست، تسلط رویکرد کاملاً مردانه در تفاسیر قرآنی و استنباطات فقهی

نشان داده شود. سپس، با تأکید بر این نکته مهم که بنا بر پاره ای مصالح، از آغاز تدوین قانون تا کنون تغییراتی در آن اعمال شده است که در پاره ای موارد با نظر اولیه و غالب فقها اختلاف دارد توجه را به این امر جلب می کند که در چارچوب فقه مصطلح هم استنباطات فقهی به نوعی به فراخور شرایط فرهنگی عملاً تغییر کرده اند. بنابر این، چه بسا بتوان مبتنی بر یافته های علمی و مناسبات فرهنگی و اجتماعی موجود، و به منظور کاهش آسیب های ازدواج زودهنگام، اکنون نیز شاهد اصلاحات بیشتر در قانون و بهبود وضعیت زنان در ایران بود که هدف پژوهش های مطالعات زنان است. پس از آن، با تأکید بر اهمیت بی بدیل قرآن به عنوان منبع قطعی دین اسلام کوشش می شود تا با اتخاذ دیدگاه تحلیلی - تاریخی و استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن دیدگاه قرآن در این باره تبیین شود. چنانچه خواهد آمد فارغ از عطف توجه به زمینه و شرایط اجتماعی موجود، با تحلیل نظری آیات قرآن درمی یابیم که قرآن نه تنها ازدواج قبل از سن بلوغ را تجویز نکرده بلکه اساساً با آن منافات دارد. بنا بر این، با استناد به روایات رسیده نمی توان فهمی را که مغایر با قرآن است معتبر تلقی کرد، به ویژه که روایات و سنت مذکور در این بحث فاقد دلالت لفظی آشکار بر جواز ازدواج کودکان و بنا بر این غیر قطعی هستند.

۳. تغییرات قانون مدنی درباره ازدواج کودکان

از آغاز تدوین قانون مدنی تا کنون در نتیجه تغییرات سیاسی-اجتماعی، قدرت یافتن فقها و توجه به آسیب های ناشی از ازدواج زودهنگام، سن ازدواج مکرر دستخوش تغییر شده است. سابقه این تغییرات به طور خلاصه و روشن به شرح زیر است:

(۱) در نخستین قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۳)، که به پیروی از قانون مدنی فرانسه نوشته شد، سن ازدواج دختران ۱۵ سال و پسران ۱۸ سال تمام مقرر شد. در این قانون، ازدواج پیش از رسیدن به سنین مذکور ممنوع بود اما در موارد استثنایی که مصلحت اقتضا می کرد امکان اعطای معافیت از شرط سن وجود داشت. با این وجود، هرگز این معافیت به دختران کوچکتر از ۱۳ سال تمام و به مردان کوچکتر از ۱۵ سال تمام داده نمی شد:

«نکاح انث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. مع ذلک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطا شود ولی در هر حال این

معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.»

(۲) طی اصلاحات اجتماعی سال ۱۳۵۳، با تصویب قانون حمایت از خانواده سن ازدواج افزایش یافت. ماده ۲۳ این قانون، سن ازدواج زنان را ۱۸ سال و مردان را ۲۰ سال تعیین کرد، اما به شرط رعایت مصلحت توسط ولی زنان و تنها با اجازه دادگاه، حداقل سن ازدواج زنان را ۱۵ سال تعیین نمود بدون آن که در حداقل سن مردان تغییری بدهد:

«ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است. مع ذلک در مواردی که مصالحی اقتضا کند استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود...» (۳) با پیروزی انقلاب و روی کار آمدن جمهوری اسلامی و اصلاح قوانین، روند افزایش حداقل سن ازدواج در قانون معکوس شد زیرا بنا بر قول مشهور فقهای امامیه، بلوغ ملاک شرعی و فقهی در صحت نکاح نیست. در نتیجه، در سال ۱۳۶۱ چون ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مغایر با سن نکاح فقهی و نیز مانع ازدواج کودکان بود مغایر با شرع و موازین فقهی تشخیص داده شد و (با اصلاح عبارتی در ۱۳۷۰/۸/۱۴) به صورت زیر درآمد:

«نکاح قبل از بلوغ ممنوع است. تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد.»

سن بلوغ هم بر اساس قول مشهور فقهای امامیه در تبصره ۱ ماده ۱۲۲۰ تعیین شد:

«سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.»

بدین ترتیب ازدواج کودکان در سنین کمتر از سن بلوغ بدون محدودیت حداقلی ممکن شد.

(۴) اگرچه ماده اصلاحی فوق کاملاً مطابق با نظر فقها تدوین شده بود، مجلس به دلیل پیامدهای منفی اجتماعی ازدواج زودهنگام با ارائه طرحی خواستار اصلاح مجدد آن و افزایش دوباره سن ازدواج دختران از ۹ سال به ۱۳ سال شد که با ایراد شورای نگهبان مواجه شد. از این رو اصلاحیه مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد و در آنجا با مختصری تعدیل به صورت زیر به تصویب رسید (۱۳۸۱/۴/۱):

«عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه.»

بنابر این اگرچه حداقل سن ازدواج دختران افزایش یافت اما همچنان ازدواج کودکان یعنی دختران کمتر از ۱۳ و پسران کمتر از ۱۵ سال با شرایطی جایز بود. اما فارغ از سن بلوغ برای ازدواج در نظر فقها و قانون مدنی، که موضوعی مستقل وقابل بحث است، اصلاحی نیز در جهت بهبود شرایط «ازدواج کودکان» که موضوع خاص این پژوهش است صورت گرفت و آن واگذاری تشخیص و احراز مصلحت به دادگاه است که قبل از انقلاب در قانون وجود داشت اما در سال ۶۱ حذف شده بود. به این ترتیب، ولی کودک همچنان حق یافت وی را تزویج کند، اما بر اساس قانون، به شرط آن که در دادگاه اثبات کند که ازدواج به مصلحت کودک است.^۶ البته آشکار است تغییر اعمال شده در ماده قانونی فعلی درباره تعیین سن ازدواج دختران با قول مشهور فقهی (سن بلوغ ۹ سال برای دختران) که مبنای تدوین قانون مدنی است) مطابقت ندارد و ناین کوتاه آمدن از قول مشهور به منظور تطابق قانون با قوانین بین المللی (۱۸ سال برای دختران و پسران) نبوده است بلکه پیامدهای مربوطه و اقتضائات اجتماعی آن را ایجاب کرد.

۴. ازدواج کودکان در رأی مشهور فقها

رأی مشهور علمای شیعه امامیه را (که اختلاف قابل توجهی با رأی علمای سنی ندارد) در باره ازدواج کودکان می توان در موارد زیر خلاصه کرد:^۶

(۱) بلوغ از شرایط صحت عقد نکاح نیست. بنا بر نظر فقهای شیعه، سن مسئولیت و تکلیف سن بلوغ است که طبق قول مشهور، در دختر ۹ سال و در پسر ۱۵ سال است و فرد زیر این سنین کودک و غیر مکلف تلقی می شود. با این وجود آنان بلوغ را از شرایط صحت عقد در اسلام ندانسته و ازدواج دختر و پسر خردسال را معتبر شمرده اند. (گرجی، ۱۳۸۴: ۹۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲۵۴؛ قاری، ۱۳۷۴)

(۲) ولی قهری کودک حق تزویج او را قبل از بلوغ دارد. بنا بر نظر فقها از یک سو امکان ازدواج کودک مسلم است (در زیر ادله این امر بحث خواهد شد) و از سوی دیگر، اهلیت انعقاد قرارداد ندارد بنابر این، ولی قهری او که عبارتست از پدر و یا جد پدری - در

غیاب پدر- می تواند او را به عقد دیگری در آورد. (گرجی، ۱۳۸۴: ۹۱؛ مهریزی، ۱۳۸۲: ۳۸۰-۳۸۱؛ قاری، ۱۳۷۴)

(۳) حق ولی قهری در ازدواج کودک مطلق نیست بلکه به شرط عدم مفسدت یا وجود مصلحت برای کودک می تواند او را تزویج کند. بنا بر نظر مشهور، ولی قهری به شرط عدم مفسدت برای کودک می تواند او را به نکاح دیگری در آورد و لازم نیست که ازدواج مصلحت و نفع خاصی برای کودک داشته باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۳۹۳) فقها در توجیه آن به قاعده لاضرر و پاره‌ای از روایات استناد کرده‌اند. (مهریزی، ۱۳۸۲: ۳۸۳) اما برخی از فقها عدم مفسدت را کافی ندانسته و وجود مصلحت را شرط کرده‌اند و گفته‌اند وقتی وجود مصلحت در تصرف مالی شرط صحت است به طریق اولی در امر ازدواج هم شرط صحت عقد است و با وجود ادله وجود مصلحت نوبت به ادله اعتبار عدم مفسدت نمی‌رسد. (مهریزی، ۱۳۸۲: ۳۸۳؛ خوبی، ۱۳۹۴: ۲۸۱-۲۸۲)

(۴) تشخیص عدم مفسدت یا وجود مصلحت بر عهده ولی قهری است. بنا بر فرض فقها خواسته ولی قهری خیر و مصلحت کودک است و تشخیص او کافی است و حکومت در این باره ولایتی ندارد. (مهریزی، ۱۳۸۲: ۹۰)

(۵) تنها ضمانت اجرای شرط فوق عدم نفوذ عقد است.^۷ اگر ولی قهری مصلحت کودک را در تزویج او رعایت نکنند عقد نافذ نیست و بنا بر نظر غالب، کودک حق دارد بعد از بلوغ و رشد آن را رد یا تنفیذ کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۳۹۳-۳۹۴). نظر دیگر این است که در صورت عدم رعایت مصلحت کودک عقد اساساً باطل است (صانعی، ۱۳۸۱: ۴۳۴).

(۶) عقد نکاح کودک توسط ولی قهری پس از رسیدن وی به سن بلوغ عقد لازم است و فرد نمی‌تواند آن را فسخ کند.^۸ درباره این که آیا کودک پس از بلوغ حق فسخ^۹ دارد یا خیر وحدت نظر نیست: رأی برخی از فقها این است که اگر مصلحت کودک - اعم از دختر یا پسر - رعایت نشده باشد او حق فسخ دارد. دسته دیگر بین دختر و پسر فرق گذاشته و با تردید گفته‌اند اگر مصلحت کودک رعایت نشده باشد چنانچه پسر باشد حق فسخ دارد (مهریزی، ۱۳۸۴؛ قاری، ۱۳۷۴) ولی بنا بر مشهور دختر حق فسخ ندارد (هدایت نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۳؛ النجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۹: ۱۷۳).^{۱۰} نظر اهل سنت هم همین است اما عده کمی هم بین دختر و پسر فرق نگذاشته و هر دو را داری حق فسخ می‌دانند (قاری، ۱۳۷۴)

(۷) نزدیکی با کودک (قبل از ۹ سالگی) مطلقاً مجاز نیست و حرام است. البته این نظر مبتنی بر این است که سن بلوغ دختر ۹ سال است. در فقه امامیه، گر چه عقد نکاح کودک صحیح است اما شوهر نمی تواند پیش از بلوغ وی با او نزدیکی کند.^{۱۱} البته آنان تمتع جنسی بدون دخول را جایز دانسته اند اما گفته اند اگر شوهر تخلّف کند و نزدیکی او با همسر خردسالش موجب افضاء و عیوب دیگر^{۱۲} در او شود شوهر باید نفقه وی را تا زمان حیات وی بپردازد (هدایت نیا: ص ۱۴۴؛ موسوی خمینی، ج ۲: ۲۵۷-۲۵۸).^{۱۳} از این بیان آشکار می شود که از نظر فقها جواز تزویج کودک اختصاص به مواردی که هر دو طرف کودک باشند ندارد بلکه یک فرد بزرگسال هم می تواند با یک بچه ازدواج کند.

دلایل حکم به صحّت ازدواج کودکان در فقه امامیه دو آیه در قرآن، چندین روایت،^{۱۴} و سنت نبوی یعنی ازدواج پیامبر اکرم (ص) با عایشه، و اجماع علمای شیعه و سنی است که علاقه مندان می توانند به طور مبسوط مباحث آن را در مقالات و کتب تخصصی مربوطه بیابند.^{۱۵} به اجمال می توان گفت که بنا بر نظر محققین، دلایل تجویز ازدواج کودکان اولاً خارج از قرآن هستند؛ ثانیاً، هیچکدام از صحت در سند برخوردار نیستند و ثالثاً، دلالات آنها با آموزه های قرآنی در تعارضند و لذا قابل اعتنا نیستند (مهریزی، ۱۳۸۲: ۳۸۲).

بعد از بیان این مقدمات اکنون به پرسش اصلی این پژوهش می پردازیم: آیا قرآن با ازدواج دختران و پسران خردسال (قبل از سن بلوغ) - چنانکه بر اساس روایات در قانون و فقه پذیرفته شده است - موافقت دارد؟

۵. دیدگاه قرآن درباره ازدواج کودکان

در ارتباط با جواز ازدواج کودکان هیچ آیه روشن و صریحی در قرآن وجود ندارد. البته فقها در بحث از این موضوع به دو آیه از قرآن ارجاع داده اند که در اینجا بدانها می پردازیم:

(۱) مهم ترین دلیل قرآنی در فقه آیه ۴ سوره طلاق (۶۵) است که در صورت

اعتبار استدلال، به طور خاص درباره دختر بچه ها است:

وَالَّذِي يَسْتَنْ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نَسَائِكُمْ إِنْ أَرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَالَّذِي لَمْ يَحِضْ وَأُولَتْ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ...

و آن زنان شما که از خون دیدن [ماهانه] نومیدند، اگر شک دارید [که خون می بینند یا نه؟] عده آنان سه ماه است، و [دخترانی] که [هنوز] خون ندیده اند [نیز عده شان سه ماه است]، و زنان آبستن مدتشان این است که وضع حمل کنند،.... (فولادوند)

آیه فوق ابتدا اعلام می‌کند که زمان عدّه طلاق زنانی که به نظر می‌رسد یائسه هستند و در باره این یائسه بودن آنان تردید وجود دارد سه ماه است و سپس این حکم را به زنانی تسری می‌دهد که حائض نشده‌اند. علمای اسلام زنان مورد اشاره در قسمت دوم این آیه (یعنی زنانی که خون حیض نمی‌بینند) را دختران غیر بالغ دانسته‌اند و تعیین عدّه طلاق را در این آیه برای این دختران به معنای صحت ازدواج آنان (و با تعمیم آن، صحت ازدواج کودکان اعم از دختر و پسر) تلقی کرده‌اند.

نکته مهم این است که در صورتی می‌توان این آیه را درباره دخترانی دانست که خردسالند و حیض نمی‌شوند که همخوابگی با کودکان را جایز بدانیم؛ زیرا طبق آیه ۴۹ سوره احزاب، زنانی که با آنان نزدیکی نشده باشد اصلاً عدّه ندارند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَنْعُوهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر زنان مؤمن را به نکاح خود درآوردید آنگاه پیش از آنکه با آنان همخوابگی کنید طلاقشان دادید دیگر بر عهده آنها عدّه ای که آن را بشمارید نیست پس مهرشان را بدهید و خوش و خرم آنها را رها کنید.

به عبارت دیگر، اولاً، با توجه به این اصل که زنانی که نزدیکی نداشته‌اند در صورت طلاق عدّه ندارند، دستور رعایت سه ماه عدّه در این آیه برای زنانی که حیض ندیده‌اند، نشان دهنده این است که زنان مورد اشاره نزدیکی داشته‌اند. ثانیاً، اگر چنانچه عموم فقهای امامیه فتوا داده‌اند و حکم عقل و اخلاق هم همین است، نزدیکی با کودکان جایز نباشد، پس «وَأَلَّا تَمَّ يَحِضُنَّ» نمی‌تواند درباره دختران غیر بالغ باشد چون این زنان ملزم به رعایت عدّه هستند. از اینرو، علامه طبرسی (مجمع البیان، ج ۹ - ۱۰: ص ۴۶۱) و علامه طباطبائی (المیزان، ج ۹: ص ۳۱۶) هم منظور این آیه را زنانی دانسته‌اند که در سن حیض به سر می‌برند، اما حیض ندیده‌اند. بنا بر این، منظور آیه این است که این زنان بالغ هستند و شاید سایر علایم بلوغ در این زنان ظاهر شده است و اگر چه علی القاعده باید حیض شوند تا آن زمان (زمان جدایی) حیض نشده‌اند، نه اینکه خردسالند. (مهریزی، ۱۳۸۱: ۳۸۱) به نظر می‌رسد از آنجا که علت اصلی برای وجوب رعایت عدّه برای زنان در زمان جدایی یا فوت همسر، اطمینان از بارداری زن یا عدم آن است (محقق: ۳۸۷)، لزوم رعایت عدّه برای این زنان به این علت است که آنها بالغ شده و در نتیجه، احتمال بارداری آنان در صورت نزدیکی وجود دارد. اما برخی از زنان ممکن است به دلایلی که آیه توضیح نداده

حیض نبیند مانند بیماری، شیر دادن، نداشتن تخمدان یا رحم و... بدین ترتیب آشکار است که آیه مذکور دلیلی برای جواز و صحت ازدواج دختر بچه ها نیست تا به استناد آن، و تسری آن به پسر بچه ها بتوان به به جواز و صحت ازدواج کودکان حکم داد.

(۲) برخی از فقها به آیه ۳۲ سوره نور (۲۴) نیز استناد کرده اند:

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد خداوند گشایش دهنده و آگاه است.

در وجه استدلال این آیه گفته شده که «ایم» به معنای کسی است که همسر ندارد، خواه خردسال باشد یا بزرگسال، در حالی که لغت دانان آن را شامل خردسال و بزرگسال ندانسته و در تعریف آن گفته اند «ایم کسی است که همسر ندارد، خواه باکره باشد یا ثیب [بی شوهر]، مطلقه باشد یا شوهر مرده (لسان العرب، ج ۱: ۲۸۸). حتی اگر بپذیریم که معنای «ایم» عام باشد و همه سنین را در بر بگیرد با توجه به موضوع آیه که نکاح است نمی توانیم آن را بر خردسالان هم حمل کنیم زیرا امر به نکاح در مورد کسی معقول است که در سن ازدواج باشد و قابلیت ازدواج داشته باشد نه اینکه هر مجردی را در هر سنی شامل شود. بنابراین، آیه هیچ صراحت لفظی بر کودکان ندارد و عقلاً نیز ازدواج کودکان پذیرفته و مستحسن نیست و لذا نمی توان به استناد این آیه ازدواج کودکان را پذیرفت.

بدین ترتیب روشن می شود که دو آیه فوق که مستند فقها برای حکم بر جواز تزویج کودکان هستند، مطلقاً چنین دلالتی ندارند.

(۳) اما می توان برای مخالفت قرآن با ازدواج کودکان به پاره ای دیگر از آیات استناد کرد. در این آیات مفهوم و شرایطی برای ازدواج مطرح می شود که در ازدواج کودکان قابل حصول نیستند. از این آیات چنین برمی آید که قرآن ازدواج را امری دوسویه میان دو موجود برابر می داند و هدف از آن را به هیچ وجه سود و منفعت مادی و یا ارضای نیازهای صرفاً یک طرف نمی داند:

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (۲۵:۵۴) و اوست خداوندی که بشر را از آب آفرید، و میان آنان خویشی و پیوند ازدواج قرار داد، و خدای تو بر هر چیزی قدرت دارد.

قرآن یکی از اهداف اصلی ازدواج را دستیابی به آرامش روحی، برقراری انس و محبت و رابطه ای مودت آمیز با دیگری، پر کردن خلأهای روحی و عاطفی برای هر دو طرف می‌داند:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۳۰:۲۱) و از آیات خداوندی است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید، که در کنار او آرامش یابید، و میان شما عشق و محبت و مهربانی قرار داد، که در این حقیقت نشانه هائی از خداست برای مردمی که در گردونه اندیشه و فکر نسبت به حقایق به سر می‌برند!

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۷:۱۸۹)

اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد. پس چون [آدم] با او [حوّا] در آمیخت باردار شد، باری سبک. و [چندی] با آن [بار سبک] گذرانید، و چون سنگین بار شد، خدا، پروردگار خود را خواندند که اگر به ما [فرزندی] شایسته عطا کنی قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود.

هدف دیگر ازدواج در قرآن ارضای غریزه جنسی از راه صحیح است: وَالَّذِينَ هُمْ لِأَزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶:۲۳) و کسانی که پاکدامندند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست.

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِذْهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (۱۷:۳۲) و به زنا نزدیک مشوید، چرا که آن همواره زشت و بد راهی است.

بقیة نسل از طریق ازدواج هدف مهم دیگری است که علاوه بر آیه ۱۸۹ سوره اعراف (۷)، که در بالا به آن اشاره شد، در آیات دیگر قرآن به آن تصریح می‌شود:

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِعَمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ (۱۶:۷۲) و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد، و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به

شما روزی بخشید. آیا [باز هم] به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت خدا کفر می‌ورزند؟ نَسَاءُكُمْ حَرَّتْ لَكُمْ فَاتُوا حَرَّتَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (۲:۲۲) زنان شما کشتزار شما هستند. پس، از هر جا [و هر گونه] که

خواهید به کشتزار خود [در] آبیید، و آنها را برای خودتان مقدم دارید، و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد، و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده.

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۲۵:۷۴) و کسانی اند که می‌گویند: «پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.»

با توجه به آیات فوق آشکار است که قرآن به هیچ وجه ازدواج را در خدمت یک طرف نمی‌بیند و آثار و منافع ازدواج را برای هر دو طرف در نظر می‌گیرد. در حالی که در ازدواج، رشد جسمی و روحی دو طرف، توانمندی آنها در اجرای وظایف سنگین و دشوار زناشویی، و قابلیت جسمی و روحی لازم برای فرزند آوری و فرزند پروری اهمیت وافری در قرآن دارند، چگونه می‌توان آنها را از شرایط ضروری ازدواج تلقی نکرد؟ آیا اهداف ازدواج برای کودک قابل تصور و وصول است؟ آیا کودک نیاز دارد تا از طریق ازدواج به آرامش و سکون برسد؟ آیا وی نیاز جنسی یا توانایی و نیاز به تولید مثل و بقای نسل دارد تا ازدواج را برای تأمین این نیازها بجوید؟ حتی آیا همسریک کودک از طریق ازدواج با او می‌تواند به صورت یک طرفه این نیازهایش را برطرف کند؟! به نظر می‌رسد پاسخ منفی به این پرسش‌ها به منزله رد جواز ازدواج کودکان از نگاه قرآن است.

(۴) با امعان نظر به آموزه‌های قرآنی مسلم و شواهد و نتایج پژوهش‌های علمی درباره عواقب ازدواج زود هنگام کودکان می‌توان با اطمینان بر عدم مقبولیت ازدواج زود هنگام از دید قرآن استدلال کرد.

از یک سو، اصول عام و قواعد قرآنی مانند انصاف و عدالت (۴۷-۴۸:۴؛ ۱۳۵:۴؛ ۱۵۲:۶؛ ۱۰:۴۷؛ ۲۵:۵۷)، عدم تکلیف ما لا یطاق و عسر و حرج (از جمله آیات ۶:۵؛ ۲۲:۷۷؛ ۲:۱۵۸؛ ۱۸۴:۵۵؛ ۱۰:۷) به صراحت و روشنی به رعایت انصاف و عدالت امر و تصریح می‌کنند که خداوند بشر را به چیزی امر و تکلیف نمی‌کند که او را در سختی، تنگنا، مظلومیت و مضیقه قرار دهد. در آموزه‌های خاص خود در امر ازدواج و رابطه همسران در خانواده نیز قرآن مسلمانان را به رعایت حال زنان و تصحیح روابط ظالمانه نسبت به آنان فرا می‌خواند، و به مردان امر می‌کند که رعایت رضایت زنان را بکنند، بر آنان سخت نگیرند، آنان را در فشار قرار ندهند، با آنها رفتار شایسته و توأم با مهر و شفقت داشته باشند، و اگر آنان خواهان جدایی هستند حقوق آنها را بدهند و در آرامش از آنها جدا شوند (۲۳۱:۲، ۲۳۴؛ ۴:۱۹؛ ۱:۶۵؛ ۴:۱۶).^{۱۶}

از سوی دیگر مطالعات انجام شده در جهان و ایران به روشنی درباره عواقب ازدواج در سنین پایین هشداردهنده هستند. تحقیقات علمی انجام شده نشان می‌دهد ازدواج در سنین پایین داشته و موجب افزایش آسیب‌های، فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود (Green, 2019; UNPFA, 2014; Jane, 2013; Godha, 2007; مقدادی، ۱۳۹۶؛ افتخارزاده، ۱۳۹۴؛ احمدی، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶).

می‌دانیم که پدیده کودک همسری در واقع بیشتر گریبان دخترکان را می‌گیرد و آنان را بی‌پناه در اختیار همسرانشان قرار می‌دهد. طبق آمار ۹۵ درصد از ازدواجهای کودکان شامل دختران ۱۰ تا ۱۴ سال می‌شود (احمدی، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶). بنا بر یافته‌های منتج از پژوهش‌های علمی (Ibid; Jane, 2007; Godha, 2013)، ازدواج در سنین پایین موجب بروز عواقب ناخوشایند و زیان‌آور جسمی و روانی بر کودک، فرزندان و خانواده وی، و اجتماع می‌شود. این پیامدها بدون تردید، برای دختران زیانبارتر است، زیرا اولاً عمدتاً دختران مصداق ازدواج در کودکی هستند؛ ثانیاً آسیب‌های جسمی و عواقب خطرناک ناشی از بارداری زودهنگام فقط گریبان آنان را می‌گیرد؛ و ثالثاً به دلیل قدرت روابط پدرسالارانه و موقعیت فرو دست دختران، چنین ازدواج‌هایی آنان را در معرض ساعات کار زیاد، انزوای اجتماعی، خشونت جسمی، جنسی و روانی، بارداری زود هنگام و نداشتن اختیار و اراده در زندگی خودشان قرار می‌دهد، در حالی که پسران از اختیار و آزادی عمل بیشتری در زندگی مشترک پس از بلوغ برخوردارند. از این رو، صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNPFA, 2014; Green, 2019) ازدواج در سنین پایین تر از هجده سال را آسیب‌زننده به سلامت و محدود کننده تحصیل و آینده دختران و مغایر با حقوق آنان دانسته است.

تحقیقات انجام شده در ایران (مقدادی، ۱۳۹۶؛ افتخارزاده، ۱۳۹۴؛ احمدی، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶) نیز نتایج فوق را تأیید می‌کنند و مهم‌ترین آسیب‌های ازدواج زودهنگام را برای دختران، از دست دادن فرصت‌های تحصیل و اشتغال، پیری و از کار افتادگی زودرس، مرگ و میر مادران و نوزادان، افسردگی، فقر، فرار از خانه، خشونت و بهره‌کشی جنسی، همسرکشی، گسترش تعدد ازدواج، خیانت، طلاق، سقط جنین، انزوای اجتماعی، کودک‌بیوه‌گی، افزایش کودکان بی سرپرست یا بد سرپرست و کاهش سلامت جنسی و امکان باروری دختران می‌دانند.^{۱۷}

در ایران آمارهای موجود درباره ازدواج کودکان نشان دهنده روند کاهشی وقوع این پدیده است. البته با در نظر گرفتن اینکه آمارهای جمعیت شناختی موجود گروه‌های سنی را از ۱۰ تا ۱۴ سال و ۱۵ تا ۱۹ سال در بر می‌گیرد، امکان مطالعه میزان ازدواجهای زیر سن ۱۳ یا ۱۸ سال وجود ندارد. عدم ثبت همه ازدواج‌ها - از جمله در مواردی که یکی از طرفین زیر سن قانونی ازدواج و فاقد اجازه دادگاه است - هم بر ابهام مسئله می‌افزاید. تحقیقات (احمدی، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶) نشان می‌دهد سهم ازدواج زیر ۱۵ سال از کل ازدواجها در سه مقطع ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۴.۴، ۶.۴ و ۶.۵ درصد بوده است. در هر سه مقطع زمانی بالای ۹۵ درصد این ازدواجها برای دختران زیر ۱۵ سال بوده است. بیشترین تعداد رخداد ثبت شده ازدواج در این سالها هم در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ ساله دختران بوده است.

به نظر می‌رسد اصلاحات اعمال شده در ماده قانونی فوق در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ نیز با التفات به نتایج تحقیقات علمی و پیامدهای ناگوار اجتماعی ازدواج زودهنگام و مغایرت آن با مصلحت کودک در چهار دهه گذشته صورت گرفته است. اما متأسفانه، با وجود عواقب ناگوار و آسیب‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی ازدواج زودهنگام، و نیز مغایرت آن با آموزه‌های قرآنی همچنان امکان ازدواج کودکان زیر ۱۳ سال محفوظ مانده است. با توجه به منابع مورد استناد فقها در این موضوع به نظر می‌رسد تحولات مذکور در قانون، اگر چه بر خلاف قول مشهور است، عمدتاً به این علت ممکن شده است که سن عددی بلوغ بر اساس روایات تعیین شده است و روایات متعارض درباره سن بلوغ دختران که ۹، ۱۰ و ۱۳ سالگی اعلام شده است (گرجی، ۱۳۸۴: ۸۸) امکان تحرک را برای قانونگذار فراهم کرده است اما افزایش آن از ۱۳ سال برای فقهای شیعه توجیه روایی ندارد.

در مورد جواز ازدواج کودکان نیز به نظر می‌رسد از همین منطق پیروی می‌شود، یعنی چون از روایات جواز آن برداشت می‌شود مجاز و مشروع دانسته می‌شود. به عبارت دیگر با وجود این که، چنانکه آمد، ازدواج کودکان با آموزه‌های قرآنی در تعارض است، مستندات روایی آن، علی‌رغم این که از صحت در سند و دلالت لفظی روشن بر جواز کودک همسری برخوردار نیستند، جدی گرفته می‌شوند و به تفسیر قرآن جهت می‌دهند. برخی از محققین (مهریزی، ۱۳۸۲: ۳۸۲)، نیز با توجه به این که دلایل تجویز ازدواج کودکان را خارج از قرآن، غیر قطعی، و مغایر با آموزه‌های قرآنی می‌دانند، آن را نمی‌پذیرند.^{۱۸}

عدم منع آشکار و صریح این پدیده در قرآن و وجود پاره ای از شواهد مؤید محتمل را می‌توان با توجه به این واقعیت تاریخی غیر قابل انکار توضیح داد که مناسبات و تعاملات اجتماعی ناگزیر متأثر از زمان و مکان هستند و ایجاد تحول در آنها زمان بر است و نیاز به تمهید مقدمات و فرهنگ سازی دارد. بسیاری از آداب و مناسبات ناخوشایند (مانند برده داری) به صورت تدریجی تا حدودی در زمان حیات پیامبر گرامی اسلام (ص) و عمدتاً در سالهای پس از ایشان و در طول زمان اصلاح شد. اسلام در آغاز برخی مناسبات را پذیرفت اما با تغییر جهان بینی مسلمانان و آموزش اصول اخلاقی و ارزشهای انسانی زمینه تغییر آنها را در طول زمان فراهم آورد. بی تردید تزویج کودکان از احکام تأسیسی اسلام نیست. چنانچه یافته های علمی نشان می دهد، پدیده کودک همسری در جوامع مختلف رواج داشته و نشان دهنده یک هنجار اجتماعی گسترده بنا بر مصالح خانوادگی و قبیلگی و برای حفظ آبرو، شرف و عزت خانوادگی بوده است؛ هنجاری که متأثر از فرهنگ پدرسالاری و سایر علل و دلایل فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی نسبتاً مشابه در مناطق گوناگون است. پدران گاه به منظور ایجاد اتحاد بین دو خانواده یا قبیله، و یا جلوگیری از درگیری و کشمکش قرار ازدواج کودکان خود را با یکدیگر و یا با بزرگسالان می گذاشتند. این فرهنگ همچنان در جوامع و مناطق گوناگونی جاری است، هرچند علل آن ممکن است تغییراتی کرده باشد و مثلاً در پاره ای از جوامع، فقر مادی اهمیت بیشتری در حفظ این سنت ایفا کند (UNICEF, 2012; Greene, 2019).

بنابر این، چه بسا روایات محدود رسیده، به فرض صحت، با وجود این که هیچیک دلالت آشکار لفظی بر جواز تزویج کودکان ندارند،^{۱۹} حاکی از توجه امامان شیعه (ع) به رسوم و تعاملات جاری جامعه باشد که موجب شده تا آنها ازدواج های صورت گرفته را باطل ندانند و با عدم ترغیب به آن و یا تردید در پسندیده بودن آن خواسته اند زمینه تحول مناسبات و روابط را فراهم آورند. چنانچه در روایتی از امام صادق و یا امام رضا (ع)، که صحیح دانسته شده، نقل شده است که در پاسخ به یکی از شیعیان که به ایشان عرض کرد که ما فرزندانمان را در حالی که خردسال هستند به ازدواج دیگران در می آوریم، امام (ع) فرمودند: «در این حالت آنان نمی توانند با مدارا و آرامش زندگی کنند.» (کافی، ج ۵، ۳۹۸) متأسفانه از این روایت صحیح بودن عقد استنباط شده است در حالی که با توجه به آموزه های قرآنی در باره ازدواج، و نیز نبود شواهد مثبت آن در زندگی امامان شیعه (ع)، می توان از آن صحیح بودن عقد جاری شده و نهی از ادامه این سنت را، که با کرامت، اختیار و

اراده انسانی و ارزشهای اساسی اسلام ناسازگار است، برداشت کرد. عمده روایات رسیده در باره ازدواج پیامبر اسلام (ص) با عایشه در زمان کودکی وی نیز در منابع اهل سنت آمده و مورد تأیید شیعیان نیستند (مهریزی، ۱۳۸۲: ۳۸۲؛ لیقوان، ۱۳۹۷).

۶. نتیجه گیری

بنا بر آنچه آمد، به نظر می رسد که جواز نکاح کودکان، هیچ مبنای قرآنی ندارد. آیات قرآنی هم که در باره اهداف ازدواج و روابط زن و شوهر در قرآن است دال بر نامعتبر بودن ازدواج کودکان است و ارزشها و اصول عام قرآنی نیز چون عدالت، انصاف و عدم تکلیف مالا یطاق به لحاظ منطقی کودکان را از دایره شمول ازدواج خارج می کنند. به ویژه، تزویج دخترکان، در حالی که برخلاف پسران اختیار فسخ عقد را هم پس از بلوغ ندارند، عقلاً پذیرفته نیست و ملزم دانستن آنان به رعایت لوازم آن و انجام وظایف زناشویی در برابر شوهر - در بهترین حالت، پس از بلوغ جنسی - موجب اذیت و آزار آنان، سختی و حرج برای آنان و خلاف عدالت است. بنابراین این قابل قبول نیست که خداوند در امر مهم ازدواج که تمام زندگی کودک را از همه جهت تحت تأثیر قرار می دهد از او سلب اختیار کامل کند و به پدر اجازه دهد که او را در کودکی به ازدواج دیگری درآورد. با توجه به نتایج پژوهش های علمی نیز که نشان می دهند ازدواج کودکان هم در خردسالی و هم در بزرگسالی آنان را در شرایط دشوار قرار می دهد، پذیرش موافقت قرآن با کودک همسری ناپذیرفتنی به نظر می رسد.

بدین ترتیب، در پرتو آیات و آموزه های قرآنی، می توان صدور آن روایات ظنی را مردود دانست نه آن که تحت تأثیر روایات و سنت موجود که صدور و دلالت مبهم و غیر قطعی دارند و صراحت لفظی بر جواز و صحّت ازدواج کودکان ندارند آیات قرآن را به نفع جواز مودک همسری تفسیر کرد. این گرایش حاکی از غلبه فرهنگ جوامع و رویکرد مرد سالارانه است که گاه چنان بدیهی به نظر می رسند و مسلط هستند که متأسفانه موجب غفلت از وجود یافته های علمی قابل اعتنا درباره آسیب های ازدواج در کودکی بر کودک، خانواده و اجتماع می شوند. به طوری که حتی با وجود این که ترک عمل جایز جایز است امکان امتناع عمل به این حکم را هم رد کرده اند.^{۲۰} به نظر می رسد این استدلال ها و ملاحظات محققان و فقها را به تأمل بیشتر در این منابع و روش استدلالات فقهی فرا می خواند و زمینه لازم برای اصلاح حکم مربوطه توسط فقها را فراهم می کنند تا در

چارچوب آموزه های قرآنی، و توجه به عناصر فرهنگی در فهم متون و اتخاذ رویکردی معطوف به مقتضیات زمان و حساس به جنسیت، امکان اصلاح ماده ۱۴۱ قانون مدنی را فراهم آورند.

پی‌نوشت‌ها

۱. این قانون در سال ۱۹۸۹ میلادی (برابر با ۲۹ آبان ماه ۱۳۶۸) در ۵۴ ماده تدوین شد و در سال ۱۹۹۰ به مرحله اجرا در آمد. ایران نیز در سال ۱۳۷۳ به صورت مشروط به آن ملحق شد.
۲. این میثاق یکی از عهدنامه‌های سازمان ملل متحد بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به وجود آمد و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ برابر با ۳ فروردین ۱۳۵۵ لازم‌الاجرا شد. دولت ایران نیز در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۷ آن را امضا و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ مصوب و خود را به آن متعهد کرد.
۳. در ارتباط با بلوغ سه اصطلاح متفاوت به کار می‌رود که مبتنی بر آیات قرآنی هستند: بلوغ نکاح، بلوغ حلم و بلوغ اشد. به اجمال، مقصود از «بلوغ نکاح»، زمانی است که کودک به مرحله ای از رشد طبیعی می‌رسد که از نظر جنسی، قدرت بر ازدواج پیدا می‌کند «بلوغ حلم» نیز به معنای اوان بلوغ جنسی است. «بلوغ حلم» معانی متفاوتی دارد که شامل بلوغ جنسی، مدیریتی، حقوقی و رشد و کمال عقلی می‌شود. برای اطلاع بیشتر به کتب فقهی مراجعه کنید.
۴. درباره مفهوم مصلحت به عنوان شرط صحت عقد ولایی، نحوه تشخیص و حدود قلمرو آن، دلایل آن و نظرات مختلف پیرامون آن نگاه کنید: قاری، ۱۳۷۴.
۵. در این ماده سال مبنای قانون نیز از قمری به شمسی تغییر کرده است. هر سال قمری ۱۰ روز کمتر از سال شمسی است و بنا بر این عملاً ۹ سال قمری در قانون قبلی برابر بود با ۸ سال و ۹ ماه شمسی؛ و ۱۳ سال شمسی در قانون جدید ۱۳۰ روز بیشتر از ۱۳ سال قمری است.
۶. برای بحث درباره روایات رسیده و استدلالات فقها به منابع این پژوهش مراجعه کنید.
۷. عدم نفوذ عقد یعنی آن عقد دارای اثر حقوقی نیست چون عقدی است ناقص که قابلیت تکامل دارد و با ضمیمه شدن رضای بعدی حیات حقوقی می‌یابد. (امامی، حسن؛ حقوق مدنی، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، سال ۱۳۴۰، چاپ سوم، ص ۱۷۷).
۸. عقد لازم (در مقابل عقد جایز) قراردادی است غیر قابل بازگشت که به منظور حفظ حقوق دو طرف قرارداد هیچ کدام از دو طرف معامله حق فسخ آن را نداشته باشد، مگر با شرایطی که در قانون آمده است..

۹. فسخ نکاح برای جلوگیری از زیان همسری است که حق فسخ دارد. فسخ نکاح قواعد ویژه ای دارد. در مورد ازدواج کودکان، دختران پس از رسیدن به سن بلوغ فاقد حق فسخ دانسته شده اند در حالی که پسران در شرایط خاصی که در جای خود آمده حق فسخ نکاح را دارند.

۱۰. صاحب جواهر این را نظر مشهور دانسته است. از قول شیخ طوسی نقل شده که دلیلش این است که مهر و نفقه بر گردن پسر می آید و موجب اضرار است؛ و فقها هم از این نظر تبعیت کرده اند (هدایت نیا، ص ۱۴۳ به نقل از محمد حسن نجفی، ص ۱۷۴)

۱۱. روایتی که نزدیکی با دختر نابالغ شوهر داده شده را منع کرده اند بر سه دسته اند: بعضی حد سنی ممنوعیت را نه سالگی و پاره ای ده سالگی، و بعضی دیگر نه تا ده سالگی بیان کرده اند. در تحلیل این سه دسته روایت، فقهاء سن نه سالگی را حد رفع ممنوعیت، و رعایت ده سالگی را مستحب، و کمتر از آن را مکروه دانسته اند (قاری، ۱۳۷۴). به نظر این پژوهشگر سن ۹ یا ۱۰ سالگی موضوعیت ندارد و تنها ملاک قابلیت صحتی زوجه برای تمکین جنسی است و حفظ عدد مذکور در نص روایات حاکی از بینش بشدت نص گرایمی فقها است در حالیکه شرایط اقلیمی و زمانی نقش اساسی در این مسأله دارد، چنانچه احتمال معیوب شدن دختر در سن پایین در نتیجه نزدیکی (که در روایات آمده) مؤید این مطلب است که ۹ سالگی نمی تواند حد قطعی باشد.

۱۲. افضاء یعنی مجرای بول و مجرای حیض و یا مجرای حیض و غائط را یکی کرده باشد.

۱۳. ویا در بحث از ازدواج انقطاعی و بهره بردن از دختر شیرخواره امام خمینی فتوا داده اند که «احتیاط در عقد انقطاعی دختر صغیره آنست که دختر بحدی رسیده باشد که قابلیت بهره بردن و تلذذ از او را هر چند بغیر وطی داشته باشد مثلاً به سن شش سال یا بیشتر رسیده باشد.» (تحریر الوسیله، ج ۲، ۲۹۷)

۱۴. روایات مورد استناد اغلب درباره خیار فسخ عقد برای کودکان و منع نزدیکی با آنها در بلوغ است که از آنها صحت و جواز ازدواج استنباط شده است.

۱۵. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: قاری، ۱۳۷۴ و مهریزی، ۱۳۸۲.

۱۶. وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجْلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِيَتَّخِذُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُومًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يُعْظِمُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲: ۲۳۱). و چون آنان را طلاق گفتید، و به پایان عده خویش رسیدند، پس بخوبی نگاهشان دارید یا بخوبی آزادشان کنید. و [لی] آنان را برای [آزار و] زیان رساندن [به ایشان] نگاه مدارید تا [به حقوقشان] تعدی کنید. و هر کس چنین کند، قطعاً بر خود ستم نموده است. و آیات خدا را به ریشخند مگیرید، و نعمت خدا را بر خود و آنچه را که از کتاب و حکمت بر شما نازل کرده و به [وسیله]

آن به شما اندرز می‌دهد، به یاد آورید؛ و از خدا پروا داشته باشید، و بدانید که خدا به هر چیزی داناست. / وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمَ أَرْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرَ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲:۲۳۲). و هنگامی که زنان را طلاق دادید و عده خود را به پایان رساندند، مانع آن‌ها نشوید که با همسران (سابق) خویش، ازدواج کنند! اگر در میان آنان، به طرز پسندیده‌ای تراضی برقرار گردد. این دستوری است که تنها افرادی از شما، که ایمان به خدا و روز قیامت دارند، از آن، پند می‌گیرند (و به آن، عمل می‌کنند). این (دستور)، برای رشد (خانواده‌های) شما مؤثرتر، و برای شستن آلودگی‌ها مفیدتر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. / وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲:۲۳۴). و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند، [همسران] چهار ماه و ده روز انتظار می‌برند؛ پس هرگاه عده خود را به پایان رساندند، در آنچه آنان به نحو پسندیده درباره خود انجام دهند، گناهی بر شما نیست، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. / يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا عَاهَتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (۴: ۹). ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آن‌ها)، ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آن‌ها داده‌اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آن‌ها عمل زشت آشکاری انجام دهند؛ و با آنان، به طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آن‌ها، (به جهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد! / يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (۶۵: ۱). ای پیامبر، چون زنان را طلاق گوید، در [زمان‌بندی] عده آنان طلاقشان گوید و حساب آن عده را نگه دارید، و از خدا، پروردگارتان بترسید. آنان را از خانه‌هایشان بیرون مکنید، و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند. این است احکام الهی. و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد، قطعاً به خودش ستم کرده است. نمی‌دانی، شاید خدا پس از این، پیشامدی پدید آورد. / وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (۴: ۴). و مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید؛ و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید.

۱۷. با این وجود، به دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ازدواج قبل از هجده سالگی واقعی است که در برخی کشورها به ویژه در جنوب آسیا، آفریقا و بخش‌هایی از آمریکای

لاتین، کارائیب و خاور میانه شایع است. (UNICEF, 2017) در زمان حاضر بیش از ۶۵۰ میلیون زن در جهان زندگی می کنند که قبل از ۱۸ سالگی و از میان آنها ۲۵۰ میلیون نفر قبل از ۱۵ سالگی ازدواج کرده اند. (UNICEF, 2014:2) با اینکه شیوع این پدیده در سه دهه اخیر به تدریج کمتر شده است اما همچنان در جنوب آسیا بیش از نیمی از دختران قبل از هجده سالگی ازدواج می کنند و در بخش هایی از آفریقا نیز حدود ۴۰ درصد زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله قبل از هجده سالگی ازدواج کرده اند. البته این پدیده اختصاص به کشورهای غیر توسعه یافته ندارد به طوری که حتی در چند ایالت در آمریکا نیز ازدواج قبل از این سن اجازه داده می شود (McClendon, Jain, 2007; Sandstrom, 2016) اما در این کشورها ازدواج زیر سن بلوغ گزارش نشده است.

۱۸. اخیراً پیرو ابراز نگرانی بدنه وسیعی از مردم، بسیاری از صاحب نظران فرهنگی و اجتماعی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به پیامدهای این پدیده ضرورت اصلاح مجدد این ماده قانونی برجسته شده است. تعداد ۶۷ تن از نمایندگان مجلس با ارائه یک طرح خواستار افزایش حداقل سن ازدواج در دختران از ۱۳ سال به ۱۶ سال تمام خورشیدی و در پسران از ۱۵ سال به ۱۸ سال تمام خورشیدی شده اند. همچنین برای جواز عقد ازدواج دختران بین سنین ۱۳ تا ۱۶ سال و پسران بین سنین ۱۶ تا ۱۸ سال افزون بر شرایط پیشین شامل اذن ولی و رعایت مصلحت کودک با تشخیص دادگاه، شرط داشتن قابلیت صحت جسمی برای تزویج با نظر پزشک قانونی نیز افزوده شده است. به این ترتیب، در صورت تصویب آن، ازدواج دختران کم سن تر از ۱۳ سال و پسران کم سن تر از ۱۶ سال بکلی متفی می شود.

آشکار است که اصلاحیه پیشنهادی به هیچ وجه به منظور مطابقت قانون مدنی با قوانین بین المللی ارائه نشده است زیرا سن ازدواج دختران را همچنان زیر ۱۸ سال باقی می گذارد. این اصلاحیه بیشتر به منظور کاهش تبعات ناسالم پدیده کودک همسری برای فرد، خانواده و اجتماع پیشنهاد شده است زیرا امکان ازدواج دختران و پسران را به ترتیب در سنین کم تر از ۱۳ و ۱۶ سال (که به لحاظ عرفی سن بلوغ دانسته می شوند) متفی می کند. روشن است که این اصلاحیه در ادامه اصلاحات گذشته، متن ماده مذکور را از نظر مشهور فقها دورتر می کند، و به همین جهت با «مخالفت مراجع» روبرو و در تاریخ دوم دی ماه ۱۳۹۷ در کمیسیون قضایی مجلس شورای ملی رد شد.

۱۹. مهریزی، ۱۳۸۲، ۳۸۲. وی روایاتی را از امامان (ع) بیان می کند که درباره حق خیار کودک سوال شده و پاسخ امام به منزله تأیید ازدواج تلقی شده است بدون آنکه دلالت لفظی بر آن باشد. همچنین به سیره پیامبر (ص) و ازدواج ایشان با عایشه و نیز دختر عمویشان که گفته می شود خردسال بودند، اشاره می کند ولی هر دو را محل تردید می داند.

۲۰. آیت الله یوسف صانعی در سخنرانی خود در نشست پایانی از سلسله نشست های فقه پژوهی در موضوع تخصصی فقه زنان، که در تاریخ ۱۳/۰۸/۱۳۹۷ در قم برگزار شد، استدلال کردند که با فرض اطمینان از جواز کودک همسری در اسلام، همچنان با توجه به شرایط فرهنگی- اجتماعی و یافته های علمی، می توان برای تجدید نظر در این حکم به قاعده حاجت تمسک جست.

کتابنامه

- آمار مسکن و نفوس عمومی سرشماریهای تفصیلی نتایج، ایران؛ دسترسی: <http://www.sci.org1395>.
- ابن منظور محمد بن مکرم الافریقی (۱۴۰۸)، *لسان العرب*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱.
- احمدی، کامیل (۱۳۹۶)، «طنین سکوت: پژوهشی جامع درباره ازدواج زود هنگام کودکان در ایران»، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی، دوره ۲، ش ۱۱، ص ۱-۳۷.
- افتخارزاده، سیده زهرا (بهار ۱۳۹۴)، «تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام»، پژوهشنامه مسدکاری اجتماعی، دوره ۱، ش ۳، ص ۱۰۸-۱۵۶.
- بررسی الگوهای سنی ازدواج بر اساس داده های سرشماری و ثبتی طی سالهای ۹۵-۱۳۸۵؛ دسترسی: <https://www.amar.org.ir/>
- حکمت نیا، محمود (۱۳۸۸)، *فلسفه حقوق خانواده، نقد و بررسی قوانین خانواده در ایران*، جلد ۲، تهران: شورای اجتماعی فرهنگی زنان.
- صانعی، سید یوسف، کتاب استفتائات قضایی، جلد دوم، حقوق مدنی، سوم: بلوغ دختر و پسر، ازدواج صغار؛ دسترسی: <http://saanei3.tk/92/?view=01,02,09,1027,0>
- الطباطبایی، محمدحسین (بی تا)، *المیزان*، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
- الطبرسی، امین الاسلام (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، جلد ۲، بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، ج ۳، بیروت: دار الاحیاء التراث العربیه.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۷۴)، «بررسی مبانی فقهی، مقایسه و تطبیق آن با حقوق ایران و اسناد بین المللی»، فصلنامه نامه مفید، ش ۲. دسترسی: <http://ensani.ir/fa/article/journal-number/6602>.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران انتشارات دارالکتب العلمیه.
- گرچی، ابوالقاسم، حسین صفایی و دیگران (۱۳۸۴)، *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- جلالی لبقوان، رضا و اکبر میرسپاه (پاییز و زمستان ۱۳۹۷)، «پژوهشی در سن عایشه هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، س ۱۵، ش ۲ (پیاپی ۴۵)، ص ۲۵-۳۸.

کودک همسری از نظر قرآن ۱۶۳

محقق، محمد باقر (بی تا)، حقوق ملنی زوجین در زمان زناشویی دائم از نظر قرآن، تهران: بنیاد قرآن. مقدادی، محمد مهدی و مریم جوادپور (بهار ۱۳۹۶)، «تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و ساز و کارهای مقابله با آن»، فصلنامه حقوق پزشکی، س ۱۱، ش ۴۰، ص ۳۱-۶۰.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، زبده البیان فی احکام القرآن، ج ۱، تهران: مکتبه المرتضویه. مهرپور، حسین (۱۳۷۹)، مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین المللی، انتشارات اطلاعات.

مهریزی، مهدی (۱۳۸۲)، شخصیت و حقوق زن در اسلام، شرکت انتشارات علمی فرهنگی. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲)، تحریر الوسیله، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

النجفی، محمدحسن (۱۳۶۶)، جواهر الکلام، ج ۳۲، تهران: کتابفروشی اسلامیة. هدایت نیا، فرج الله (بهار ۱۳۸۸)، فلسفه حقوق خانواده، نقد و بررسی قوانین خانواده در ایران، ج ۳، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

A Note on Child Marriage (2014), UNICEF,

https://www.unicef.org/policyanalysis/files/Note_on_Child_Marriage.pdf

Annual Report: Unfpa-Unicef Global Programme to Accelerate Action to End Child Marriage, 2018 Annual Report Country Profiles (2019), United Nations Population Fund (UNPF) and United Nations Children Fund (UNICEF), <https://www.unfpa.org/child-marriage-frequently-asked-questions#what%20are%20the%20consequences?>

Godha, Deepali, David R. Hotchkiss and Anastasia J. Gage (2013), 'Association Between Child Marriage and Reproductive Health Outcomes and Service Utilization: A Multi-Country Study from South Asia', *Journal of Adolescent Health*, 52 552-558.

Kathleen Kurz and Saranga Jain (2007), *New Insights on Preventing Child Marriage: A Global Analysis of Factors and Programs*, International Center for Research on Women (ICRW), (<https://www.icrw.org/publications/new-insights-on-preventing-child-marriage/>)

Margaret E. Greene and Ellen Stiefvater (2019) *Social and Gender Norms and Child Marriage A Reflection on Issues, Evidence and Areas of Inquiry in the Field*, (London: ALIGN, https://www.alignplatform.org/sites/default/files/2019-04/align_child_marriage_thinkpiece.pdf).

McClendon, D. and Sandstrom, A. (2016) 'Child marriage is rare in the U.S., though this varies by state', (Pew Research Center, 1 November), www.pewresearch.org/fact-tank/2016/11/01/child-marriage-is-rare-in-the-u-s-though-this-varies-by-state)

Öğr. Üyesi (2018), Childhood and Child Marriage in Islamic Law *Cumhuriyet Theology Journal*, 22 (2): 783—805.